



رضوی روایت

دستاوردهای راهبردی طوفان الاقصی
به روایت شهید سید حسن نصرالله

سَمِيعٌ عَلِيمٌ

روایت نصر

دستاوردهای راهبردی طوفان الاقصی
به روایت شهید سید حسن نصرالله

به کوشش مهدی ازرقی

فهرست

- پیشگفتار ۴
۱. احیاء جهانی مسئله فلسطین ۵
۲. گرایش به مقاومت در نسل جدید ۹
۳. ضربه به روند عادی سازی با رژیم غاصب ۱۲
۴. اثبات بی اعتباری مجامع بین المللی ۱۵
۵. برملا شدن دروغ «قدرت بازدارندگی» ۱۸
۶. سقوط مفهوم «اسرائیل صلح طلب» ۲۱
۷. شکست تصویر «اسرائیل قوی» ۲۳
۸. زیرسوال رفتن امنیت «سرزمین امن» ۲۶
۹. فضاحت دولت آمریکا ۲۹
۱۰. اثبات ضرورت قوی بودن ۳۲



پیشگفتار

گزارش زیر برگرفته از چند سخنرانی شهید سید حسن نصرالله (ره) پس از عملیات طوفان الاقصی است که با محوریت بیانات ایشان در تاریخ ۱۳ دی ماه سال ۱۴۰۲ تدوین شده و به صورت یکپارچه نگارش شده است. ایشان در سخنرانی ۱۳ دی ماه ۱۴۰۲ دستاوردهای مختلف جبهه مقاومت پس از طوفان الاقصی را بیان فرمودند. تلاش شده ضمن تلفیق برخی موارد و افزودن توضیحات بیشتر از سایر سخنرانی‌های ایشان، دستاوردهای راهبردی جبهه مقاومت از منظر ایشان اشاره شود.

احیاء جهانی مسئله فلسطین



مسئله فلسطین تقریباً در اکثر نقاط جهان روبه فراموشی می‌رفت. عملیات طوفان الاقصی سراسر جهان را مجبور کرد که مجدداً به دنبال راه حلی برای مسئله فلسطین بروند. به همین دلیل مجدداً در مورد «راه حل دو دولتی» بحث‌ها بالا گرفته است. شرایط مردم فلسطین در سایه حاکمان تندروی رژیم اشغالگر، بسیار دشوار سپری می‌شد.

از جمله مهم‌ترین مصادیق قابل ذکر که کمتر به آن توجه می‌شود، چهار عنوان زیر است:

* وضعیت و خیم اسرای فلسطینی

هزار اسیر مرد، زن و کودک فلسطینی در زندان‌های رژیم با سخت‌ترین شرایط نگهداری می‌شوند که سرنوشت آن‌ها مشخص نیست و برخی در شرایط بیماری به سر می‌بردند. در دوره حاکمان فعلی رژیم، شرایط اسرای فلسطینی بسیار وخیم‌تر شده است.

* افزایش بی‌حرمتی به مقدسات

تجاوزات و حرمت‌شکنی‌اشغالگران به مسجدالاقصی در دو سال اخیر و خصوصاً در هفته‌های منتهی به عملیات طوفان الاقصی در طول تاریخ اشغالگری رژیم، بی‌سابقه بوده است. غاصبان افراطی صهیونی، با حمایت نیروهای نظامی وارد حریم مقدس مسجد الاقصی می‌شده و ضمن آسیب رساندن به مردم مسلمان، با برگزاری جشن و مراسمات مختلف به مقدسات آنجایی حرمتی می‌کردند.

* تشدید محاصره غزه

این منطقه کوچک با بیش از یک و نیم میلیون ساکن آن، حدود ۲۰ سال گذشته را در شرایط سخت و تحت

محاصره سپری کرده بود. از شرایط سخت زندگی مردم فلسطین در این مدت، سخنی گفته نشده و به دروغ القامی شد که تا قبل از عملیات طوفان الاقصی، همه شرایط زندگی معمولی برای ساکنان غزه فراهم بود. در حالی که از سال ۲۰۰۷ این منطقه به نوعی وارد محاصره شده و آمارها نیز حکایت از وخیم بودن اوضاع ساکنان داشتند. طبق گزارش نهاد حقوق بشر اروپا در سال ۲۰۲۰ حدود ۵۰ درصد بیکاری و از جمعیت ساکن در غزه ۵۶ درصد زیر خط فقر بوده که در سال‌های پس از آن و روی کار آمدن دولت افراطی فعلی این وضعیت وخیم‌تر نیز شده است. این محاصره به قطعی عمده برق و کمبود شدید داروهای ضروری و لوازم بهداشتی کودکان نیز کشیده شده بود.



* طرح‌های توسعه‌ای در کرانه باختری

رژیم اشغالگر در دوره اخیر اقدام به اجرای طرح‌های شهرک‌سازی گسترده و خطرناک در مناطق مختلف کرانه باختری متعلق به فلسطینیان کرده بود. به همین منظور اقدام به ربایش افراد و تخریب منازل مردم در این مناطق می‌کرد و بر خلاف توافقات بین‌المللی، برنامه الحاق بخش‌های زیادی از مناطق متعلق به فلسطینیان را در دستور کار خود داشت.

علیرغم همه این مشکلات که برای مردم فلسطین به وجود آمده بود، بازتاب جهانی و رسانه‌ای آن بسیار اندک و محدود صورت می‌گرفت. هدف اصلی، به فراموشی سپردن مسئله فلسطین در افکار عمومی جهان بود که با وقوع عملیات طوفان الاقصی همه این طرح‌ها به حاشیه رفت. تا پیش از طوفان الاقصی، مسئله فلسطین در هیچ محفل بین‌المللی مسئله اصلی نبوده و در مقابل، سیاست‌های حکومت اشغالگر، به سوی افزایش فشار بر مردم فلسطین رفته بود.



* دو

گرایش به مقاومت در نسل جدید

عملیات طوفان الاقصی و مقاومت و پایداری پس از آن اثبات نمود که فرضیه «تسلیم شدن ملت فلسطین» و تحلیل‌هایی همچون تغییر نسل و کوتاه آمدن از مقاومت و آمدن نسل فضای مجازی و به دور از مقاومت، کاملاً اشتباه بود. هرچند که این فرضیه در انتفاضه‌ها و عملیات استشهادی گذشته رد شده بود، اما عملیات طوفان الاقصی این تصور را کاملاً از بین برد. رژیم صهیونی خود را مقابل ملتی می‌بیند که سرزمین، تاریخ، تمدن، آینده و مقدسات خودش را حاضر نیست فراموش کند و کنار بگذارد. این نسل

پس از ۷۵ سال رنج و مشقت و ظلم و اسارت پدید آمده و این چنین پای مقاومت ایستاده و همچنان انگیزه دفاع از سرزمین خود را دارد.

رژیم اشغالگر همواره تلاش می‌کرده مسئولیت شرایط دشوار مردم فلسطین را به گردن جریان مقاومت بگذارد. حتی پس از طوفان الاقصی نیز رویکرد رسانه‌ای رژیم این

بوده که عامل اصلی این نسل‌کشی و وحشی‌گری را گروه‌های مقاومت نشان دهد. این رویکرد را نه تنها به دلیل مشروعیت بخشیدن به جنایات خود دنبال کرده، بلکه به دنبال ایجاد شکاف میان ملت فلسطین و مقاومت نیز بوده است.

همین رویکرد را در سایر اجزاء جبهه مقاومت نیز دنبال کرده و با تشکیک



در فایده داشتن مقاومت، سعی کرده نسل جدید را از این مفاهیم دور سازد. تضعیف بدنه اجتماعی و مردمی جریان مقاومت جزء اهداف محوری رژیم بوده که تحولات اخیر نشان داد نه تنها این هدف محقق نشده بلکه با نمایان شدن ماهیت وحشی رژیم صهیونی، همراهی عمومی با جبهه مقاومت به منظور ایستادگی در مقابل این رژیم افزایش هم پیدا کرده است.

نسل‌های جدید بواسطه بهره‌مندی و دسترسی به فضای مجازی توانسته‌اند درک واقعی از جنایات و ماهیت رژیم را به دست آورند؛ در حالی که پیش از آن صرف شنیدن جنایات گذشته رژیم درک متفاوتی را به آن‌ها منتقل ساخته بود.





* سه

ضربه به روند عادی سازی با رژیم غاصب

اتفاقات پسا طوفان الاقصی، ضربه مهلکی بر روند عادی سازی وارد ساخت. روندی که قصدش عادی سازی وجود کشوری به نام اسرائیل و فراموشی فلسطین بود. عادی سازی روابط دولت‌های منطقه با رژیم نامشروع صهیونی، زمینه‌سازی برای طرح‌های بزرگتر این رژیم در منطقه است. مقاومت در برابر عادی‌سازی حضور رژیم اشغالگر در منطقه غرب آسیا بسیار حائز اهمیت است و این ضرورت وجود دارد که هرکسی در برابر این روند ایستادگی نماید.

طرح عادی سازی در واقع طرح تضعیف اراده مردم منطقه و فراموشی مسئله مهم فلسطین است. هدف این طرح تجزیه و تضعیف ملت‌های منطقه و تبدیل مسئله فلسطین به یک موضوع مختص به فلسطینیان و در نهایت فراموشی کامل آن است. فراموشی مسئله فلسطین توسط ملت‌های منطقه به معنای مشروعیت بخشیدن به طرح‌های تجاوزکارانه رژیم اشغالگر در منطقه است و این خود مقدمه تضعیف هرچه بیشتر کشورهای منطقه است.

طرح اصلی رژیم غاصب صهیونی، تسلط بر امنیت، اقتصاد، انرژی و سیاست خارجی کشورهای منطقه است. در حال حاضر هم برخی حکومت‌های منطقه در تصمیم‌گیری‌های مهم خودشان



مانند سیاست خارجی یا جنگ و صلح و صادرات انرژی، تحت نظر تصمیم‌گیری آمریکا هستند. طرح مدیریت منطقه و مسلمانان، متعلق به آمریکا بوده و رژیم اشغالگر مسئول پیاده‌سازی آن است. آن‌ها برای تداوم سلطه بر کشورهای منطقه، جنگ، کشتار و درگیری به راه می‌اندازند تا توان انسانی، مالی، اقتصادی، اجتماعی و روانی ملت‌ها فرسایش پیدا کند.

بر اساس طرح آمریکا برای منطقه، ممنوع است حکومت عربی یا اسلامی قدرتمندی در منطقه برپا شود. حکومت قدرتمند به معنای حکومت مستقل، حکومتی که خودش تصمیم بگیرد، حکومتی که منافع ملتش را رعایت کند، حکومتی که خودش منابع و اقتصادش را سامان دهد، حکومتی که به لحاظ علمی، فناوری، فرهنگی و اداری پیشرفت کند.

همه تلاش‌ها برای عادی سازی روابط میان حکومت‌های منطقه و رژیم اشغالگر، در راستای تکمیل طرح اصلی آمریکا برای مدیریت منطقه و منابع آن است.



اثبات بی‌اعتباری مجامع بین‌المللی * چهار

برای همه روشن شد که نهادها، مجامع، سازمان‌ها و مقررات بین‌المللی قادر به حمایت از ملتی نیستند. برخی جریان‌ها در کشورهای منطقه هستند که دائماً این حرف را می‌زنند که «چرا می‌خواهید متفاوت از سایر کشورها باشید و اجازه نمی‌دهید نهادهای بین‌المللی بر شما نظارت داشته باشند؟ چرا وقتی همه جهان به مقررات بین‌المللی پایبند هستند، شما پایبند نیستید؟»

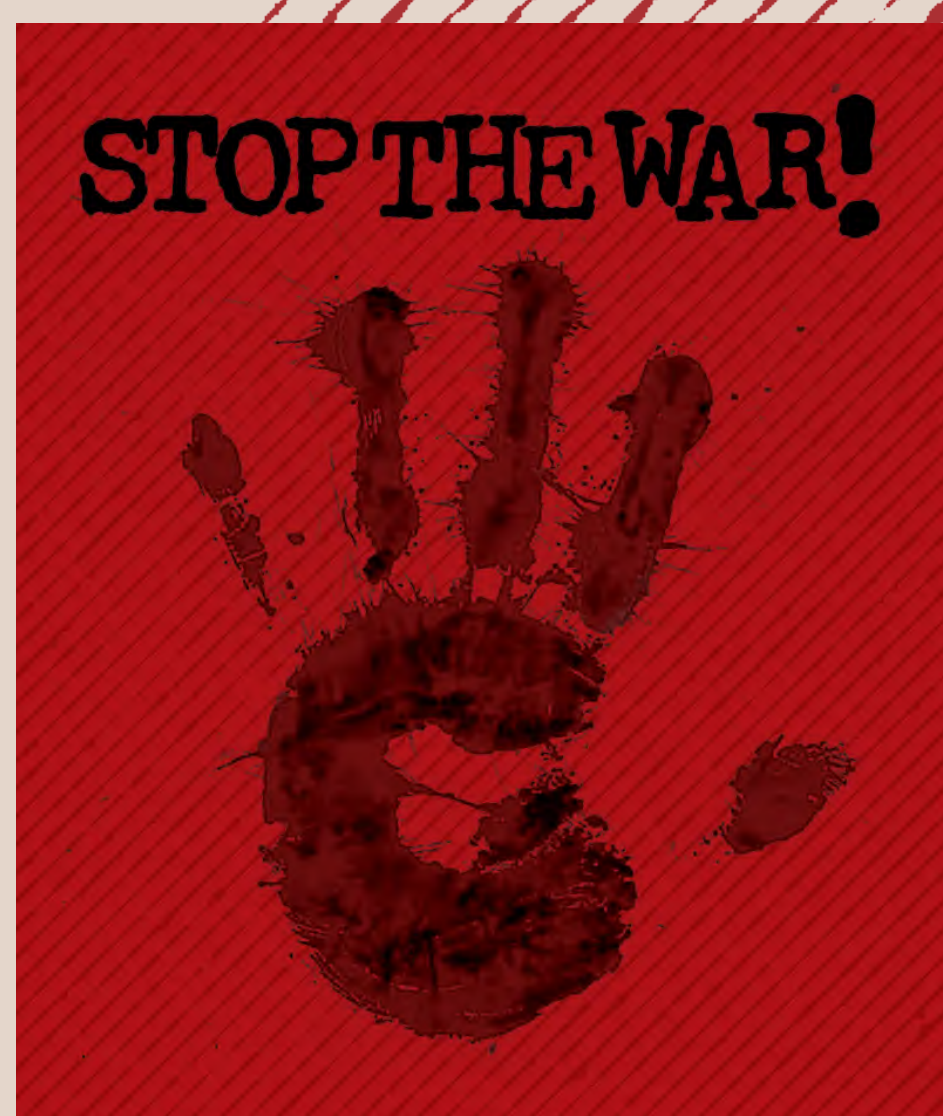
این جریان که خود را در جایگاه نخبگانی هم قرار

می‌دهد تصور می‌کند که در جهان
امروزی سازمان‌ها و مجامع بین
المللی می‌توانند واسطه و مانع
تجاوز و ظلم برخی کشورهای مستکبر
بر دیگران بشوند.

اتفاقات پس از طوفان الاقصی این را
ثابت کرد که کدام حرف درست است.

چه کسی به قوانین بین‌المللی
پایبند نیست؟ در حالی که ۱۵۴
کشور جهان تصمیم می‌گیرند
در سازمان ملل دستور توقف
جنگ علیه غزه صادر شود، اما
کشورهایی مثل آمریکا و انگلیس

ورژیم غاصب مخالفت می‌کنند و این
دستور را به دیوار می‌کوبند! علیرغم
اینکه کشورهای مختلفی در جهان
تلاش نمودند از طریق نهادهای
بین‌المللی جلوی جنایات رژیم
صهیونیستی را در فلسطین بگیرند
اما وضعیت نشان می‌دهد هیچ‌کدام



از آن تلاش‌ها به نتیجه نرسیده است.

هیچ قانون بین المللی باقی نمانده که رژیم در این مدت آن را زیرپا له نکرده باشد! قطعاً آمریکا پشتیبان و حامی رژیم غاصب در این به چالش کشیدن قوانین بین المللی است؛ چراکه اساساً انتظار آن‌ها از همه این نهادهای بین المللی این است که در خدمت منافع آمریکا و غرب باشند.

جنايات رژیم در غزه و لبنان ثابت نمود که مراکز و سازمان‌ها و مقررات بین المللی هیچ کدام قادر به حمایت ملتی نیستند. این را باید مردم منطقه و مسلمان به خاطر بسپارند. این سخن صرفاً اختلاف نظر میان کارشناسان نیست؛ بلکه کسانی که همچنان بر وساطت نهادهای بین المللی اصرار دارند، در واقع حقیقت موجود در جهان را نادیده گرفته‌اند!



* پنج

برملا شدن دروغ «قدرت بازدارندگی»

رژیم همواره ادعا داشته و افتخار می کرده که بازدارندگی زیادی در برابر حملات دیگران دارد و حتی تجاوزات قبل از طوفان الاقصی به غزه را با هدف تقویت این بازدارندگی انجام می داد. اساسا ابزار رژیم صهیونیستی که منجر به بازدارندگی برای آن می شود، «ترساندن و رعب انداختن در دل دیگران» است. رژیم همیشه حکومت ها و ملت های منطقه را ترسانده و به رعب انداخته و برای همین برخی حکومت ها در مقابل آن تسلیم و ذلیل شده اند و از حقوق خود عقب نشسته اند.

پس از سال ۲۰۰۶ سران رژیم تصمیم به بازسازی تصویر قدرت بازدارندگی خود گرفتند و در رسانه‌ها بازتاب زیادی از توان نظامی و دفاعی خود منعکس می‌کردند. اما علیرغم این، با عملیات طوفان الاقصی و بازشدن جبهه لبنان و یمن، مجدداً تصویر قدرت بازدارندگی رژیم به چالش کشیده شد. چرا که کنش جبهه‌ها به معنای این است که هیچ یک از طرف‌های مقاومت، دچار ترس و رعب از رژیم نشده‌اند.

مقاومت لبنان هیچ‌گاه در برابر رژیم

صهیونیستی دچار رعب و ترس نشده

بود. مقاومت یمن نیز که وارد این

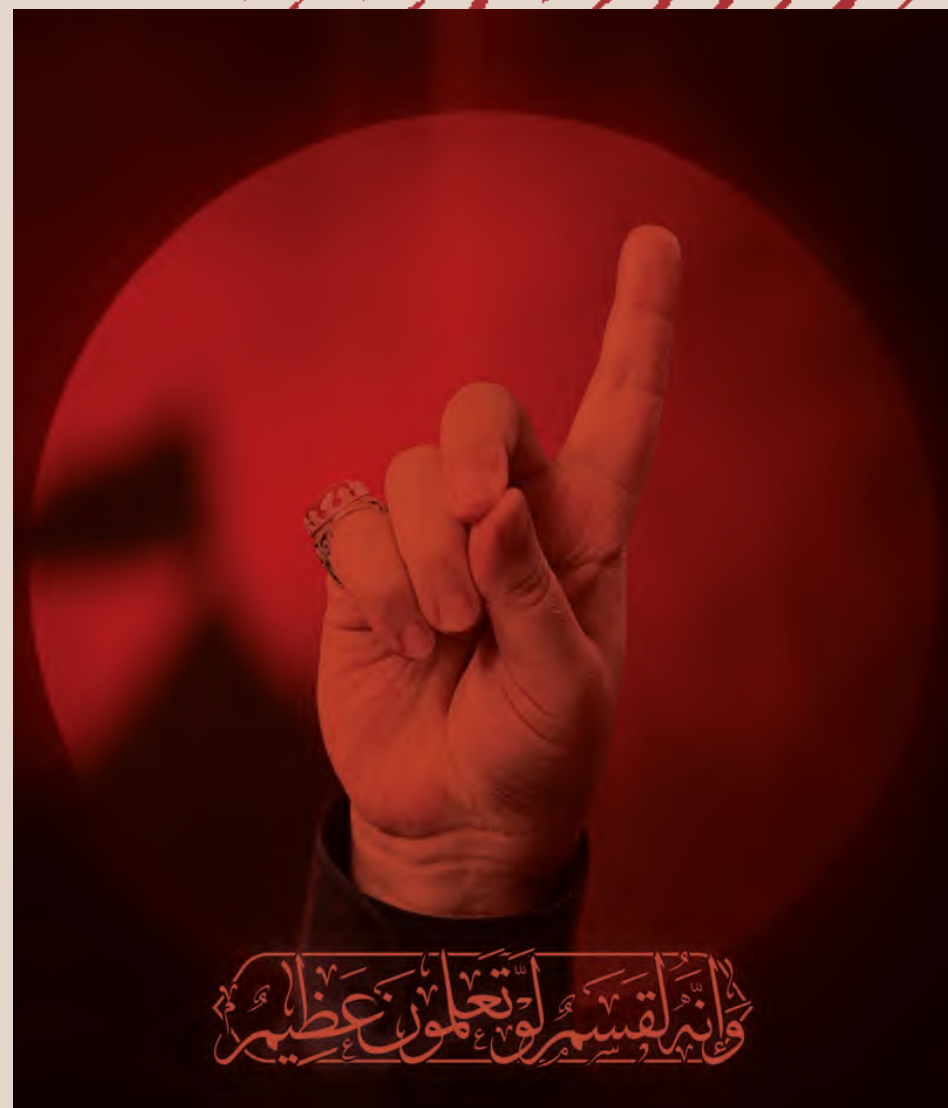
نبرد شد، هیچ وحشت و ترسی

از رژیم نداشته و حتی فراتر از آن،

از آمریکا و انگلیس و تجهیزات

نظامی آنان نیز هیچ ترسی

نداشته است. همین نترسیدن



عامل عقب نشستن آمریکا در مبارزه
با مقاومت یمن شده است.

رژیم صهیونیستی اساس خود را
بر القای ترس و رعب به کشورهای
منطقه بنا نهاده است و اگر دروغ
«قدرت» داشتن رژیم بر ملا شود،
کشورهای منطقه از برنامه‌های رژیم
تبعیت نخواهند کرد. مبارزه

مقاومت با رژیم صهیونی در
حقیقت ضربه به تصویر دروغی
بازدارندگی آن است که پیام
امکان ایستادگی در برابر آن را
برای ملت‌های منطقه ارسال
نموده است.





تصویرسازی که از رژیم صهیونیستی توسط رسانه‌های غربی و برخی رسانه‌های عربی خصوصاً در ۲۰ سال اخیر انجام می‌گرفته، همگی با اتفاقات پس از طوفان الاقصی بر باد رفته است. تلاش می‌شد که رژیم صهیونیستی به عنوان کشور قانون‌مدار، الگوی دموکراسی و طرفدار حقوق بشر معرفی شود؛ اما پس از طوفان الاقصی تصویر رژیمی غیر اخلاقی، غیر انسانی، غیر قانونی و کودک‌کش به ملت‌های جهان ارائه شد. رژیم اشغالگر برای تضمین بقای خود نیازمند انعکاس

تصویری مطلوب و الگو از خود در جهان است که بر پایه آن مهاجرت یهودیان به این سرزمین و اتکای کشورهای منطقه به خود را تداوم و تعمیق بخشد.

مشروعیت بخشی به اقدامات خود از جمله توسعه شهرک سازی و کوچاندن اجباری فلسطینی ها، نیازمند وجهه ای خوشایند برای افکار عمومی جهانی است.

رژیم اشغالگر در طول چندین سال گذشته هزینه های زیادی برای ارائه تصویر درخشان و الگو از خود به جهان متحمل شده بود و برای این هدف نهادهای مختلف در سطح جهان تلاش کرده بودند و حتی توانسته بودند نتایجی هم به دست آورند.

شکسته شدن این تصویر تاثیر زیادی بر معادلات آتی در منطقه خواهد داشت. این تصویر در میان جوانان آمریکایی هم دچار تغییر شده است و جوانانی که از کودکی زیرسلطه رسانه های صهیونیستی، بزرگ شده اند و هیچ گاه رسانه های مقاومت را دنبال نکرده و گفتمان آن را نشنیده، هم اکنون نسبت به خوی وحشی رژیم صهیونیستی آگاه شده است.



* هفت

شکست تصویب «اسرائیل قوی»

رژیم صهیونی همواره به حکام کشورهای منطقه و انمود می‌کرده که «توان حمایت از شمارا دارم؛ قدرت نیروی هوایی، گنبد آهنین، امنیت، اطلاعات و فناوری، نزد من (رژیم صهیونی) است»! این رژیم مدعی هم اکنون به جایی رسیده که محتاج پشتیبانی علنی و انبوه آمریکا از همان روزهای اول نبرد شده و توان حمایت از خودش را ندارد!

همواره این تصور بوده که رژیم صهیونی بر همه امور اشراف اطلاعاتی دارد و از همه امور با خبر است. رژیم

صهیونی در سطوح مختلف سعی کرده با تقویت ابزارهای جاسوسی و کشف اطلاعات، به اشراف کامل بر منطقه و خصوصا مقاومت برسد. یکی از نقاط قوت رژیم همواره اشراف اطلاعاتی بوده که بر پایه آن برنامه ریزی جریان مقاومت را دشوار می‌سازد. اما علیرغم تقویت ابزارهای اطلاعاتی، رژیم توان پیش بینی و خنثی نمودن حملات مقاومت به سرزمین‌های اشغالی را ندارد.

در حالیکه **عملیات طوفان الاقصی** اثبات نمود که اشراف اطلاعاتی رژیم خیلی هم برتری ندارد. **عملیات اربعین حزب الله** نمونه دیگری از اثبات عدم اشراف اطلاعاتی رژیم است که علیرغم پی بردن رژیم به وجود یک عملیات، اما نتوانست جزئیات دقیق را کشف و مانع از



انجام این عملیات شود.

پس از پایان جنگ ۲۰۰۶ کمیته وینوگراد در رژیم تشکیل دادند تا دلیل شکست در جنگ با حزب ا.. را بررسی کنند. نتیجه تحقیقات نشان داد دلیل اصلی «فقدان برنامه واقعی و عملی برای نابودی کامل حزب ا...» بوده است! پس از انجام این تحقیقات، رژیم در راهبردها و قواعد خود بازنگری بسیاری انجام داد و پس از آن این ادعا کردند که «ما اسرائیل، در هر جنگی وارد

بشویم، به پیروزی قاطع، سریع و واضح دست خواهیم یافت». اما هم اکنون مشخص شده که این ادعا غیرواقعی بوده و رژیم نتوانسته به سطح برتری لازم برسد.





* هشت

زیر سوال رفتن امنیت «سرزمین امن»

امنیت رژیم صهیونی یکی از پایه‌های وجودی و تاسیسی این رژیم است و اشغالگران با اعتماد به این امنیت، در این سرزمین ساکن شده‌اند. به همین دلیل، وجود بلندمدت رژیم در این منطقه به خطر افتاده است. چون غالب اشغالگران تعلق به این خاک و وطن ندارند و اساساً میان این سرزمین با خود وابستگی نمی‌بینند. در واقع تعلق آنان به سرزمین، ساختگی و غیر واقعی است و برای این نوع جوامع، «امنیت» پایه‌ترین و وجودی‌ترین دلیل برای سکونت در یک سرزمین است.

در هر کشوری، ناامنی و جنگی هم شود،
در نهایت ملتش در آن سرزمین باقی
خواهند ماند؛ مانند بسیاری از مردم
فلسطین که همچنان سرزمین خود
را ترک نکرده‌اند. اما شیوه شکل‌گیری
و پایه‌گذاری رژیم، غیرطبیعی و
غیرمشابه با ملت‌های دیگر است.

رژیم صهیونی متشکل از گردهم‌آمدن

افرادى از سراسر جهان است که

به یکدیگر چسبانده شده‌اند و در

این سرزمین قرار گرفته‌اند! در این

شرایط، امنیت محل سکونت،

مهم‌ترین دلیل ماندن است.

اینجا برای آنان قرار بوده سرزمین

شیر و عسل باشد؛ یعنی سراسر

خیر و خوشی!

اساساً بهانه گردهم‌آمدن یهودیان در
سرزمین فلسطین، فرار از ناامنی در
سایر نقاط جهان بود. اما همین را اگر
نتوانند در این سرزمین به دست آورند،



چه خواهد شد؟ اینجا قرار بود «پایگاه امن یهودیان» باشد که هم اکنون با چالش مواجه شده است. در قدم اولی هم اکثر نخبگان و سرمایه داران این سرزمین را ترک کرده و خواهند کرد.

عملیات طوفان الاقصی، مؤید و مقوم نا امن بودن این سرزمین برای اشغالگران است.

وزیر جنگ رژیم گفته: «اگر ما نتوانیم

اهداف اعلام شده را محقق

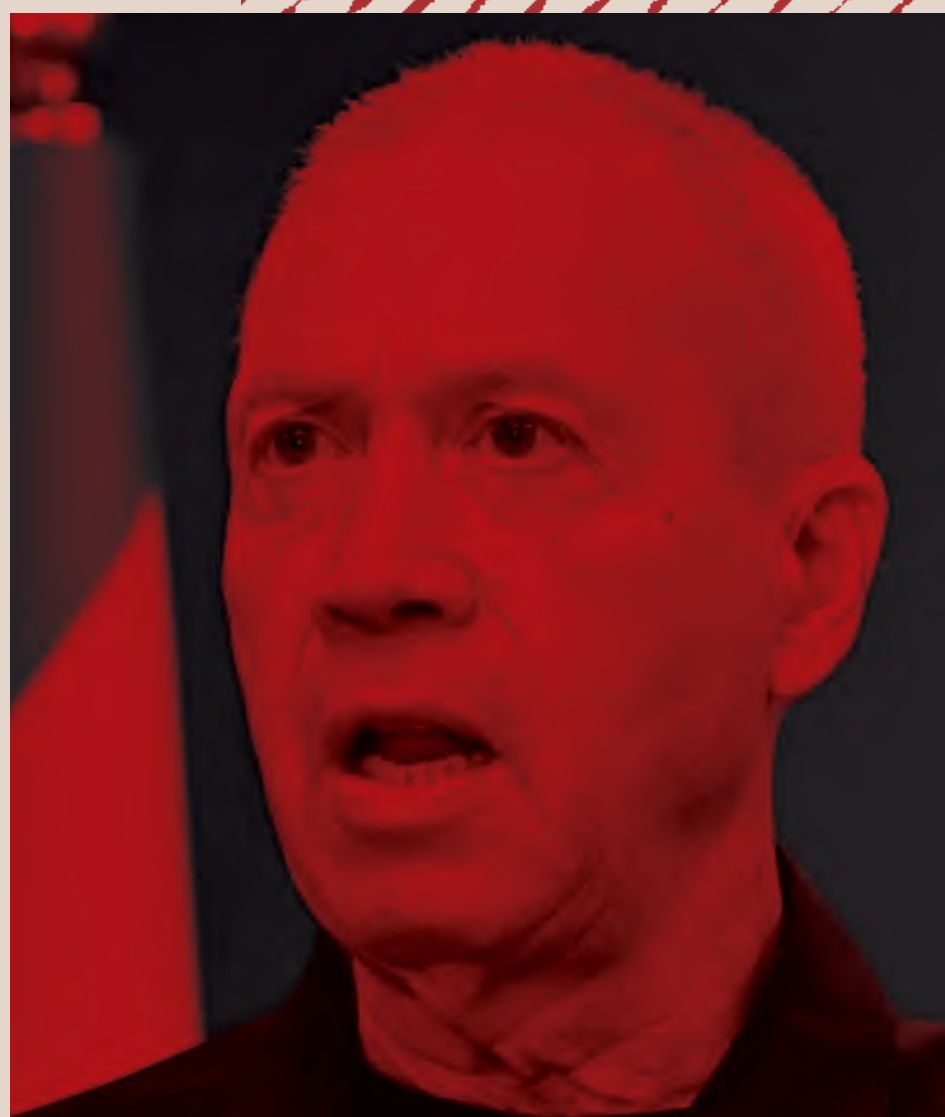
کنیم، اشغالگران این سرزمین را

ترک خواهند کرد. چرا که متوجه

این می شوند که ما نمی دانیم

چگونه باید امنیت آنان را تامین

کنیم.»



در واقع عدم تحقق اهداف اعلامی جنگ، به معنای از بین رفتن پایه اساسی تشکیل رژیم، یعنی «سرزمین امن برای صهیونیست ها» خواهد بود.



آمریکا بعد از جنگ‌هایی که در افغانستان و عراق به راه انداخت، در اذهان ملت‌های عربی و منطقه منفور شد. برای همین بعد از آن و خصوصا در دوره اوباما تلاش کردند این ذهینت را بازسازی و مثبت نمایند که موفق هم شده بودند. در قضیه داعش هم علیرغم اینکه خودشان موسس و پشتیبان آن بودند، اما در عراق به عنوان مبارزه با داعش وارد شدند.

عملیات طوفان الاقصی و تحولات پس از آن سبب شد حقیقت آمریکا برای ملت‌های منطقه و جهان نمایان

شود. آن عاملی که هم اکنون جنایت می‌کند دولت، تصمیم و سیاست آمریکاست. آن که مانع از آتش بس است، آمریکاست! همان که در شورای امنیت سازمان ملل، قطعنامه پایان جنگ را تو می‌کند، آمریکاست! آنکه جنایات رژیم در جهان را توجیه می‌کند آمریکاست. تامین کننده سلاح برای رژیم اشغالگر، آمریکاست. همانطور که رئیس جمهور آمریکا صراحتاً می‌گوید اگر «اسرائیلی وجود نداشت، ما برای تأسیس آن اقدام می‌کردیم» نشان از رابطه راهبردی آمریکا با رژیم صهیونیستی دارد.

آمریکا علیرغم همه حمایت‌هایی که از رژیم صهیونیستی کرده، اما در رسانه‌های منطقه جریانی راه انداخته که جنایات رژیم را بدون هماهنگی با آمریکا جلوه نماید و حتی در برخی مواقع سعی کرده در موضع مخالف قرار گیرد. اما چون اساساً رژیم صهیونیستی اهرم اعمال فشار و مجری برنامه‌های آمریکا در منطقه است، از همه جنایت‌های آن حمایت و پشتیبانی می‌کند.

آمریکا به دنبال تسلط کامل بر «سیاست خارجی (جنگ و صلح)، امنیت و منابع نفت و گاز» کشورهای منطقه است و در بخش‌های زیادی نیز توانسته تسلط یابد.

اگر بخواهیم بسیاری از دولت‌های منطقه را توصیف کنیم باید آن‌ها را «قدرت‌های خودگردان اداری» بنامیم که توسط یک پادشاه، امیر یا رئیس، مدیریت می‌شوند و حکومت یا قدرت واقعی نیستند.

آمریکا برای تداوم سلطه بر کشورهای منطقه جنگ، کشتار و درگیری به راه می‌اندازد تا توان انسانی، مالی، اقتصادی، اجتماعی و روانی حکومت‌ها و ملت‌های منطقه فرسایش پیدا کند.

رژیم صهیونیستی اهرم تحقق سلطه‌ی آمریکا بر کشورهای منطقه و نقش آن کاملاً در خدمت این برنامه است. به همین دلیل در هر جای جهان از آن پاسداری می‌کنند و اگر با خطر جدی مواجه شود برای دفاع از آن وارد نبرد می‌شوند.



اثبات ضرورت قوی بودن



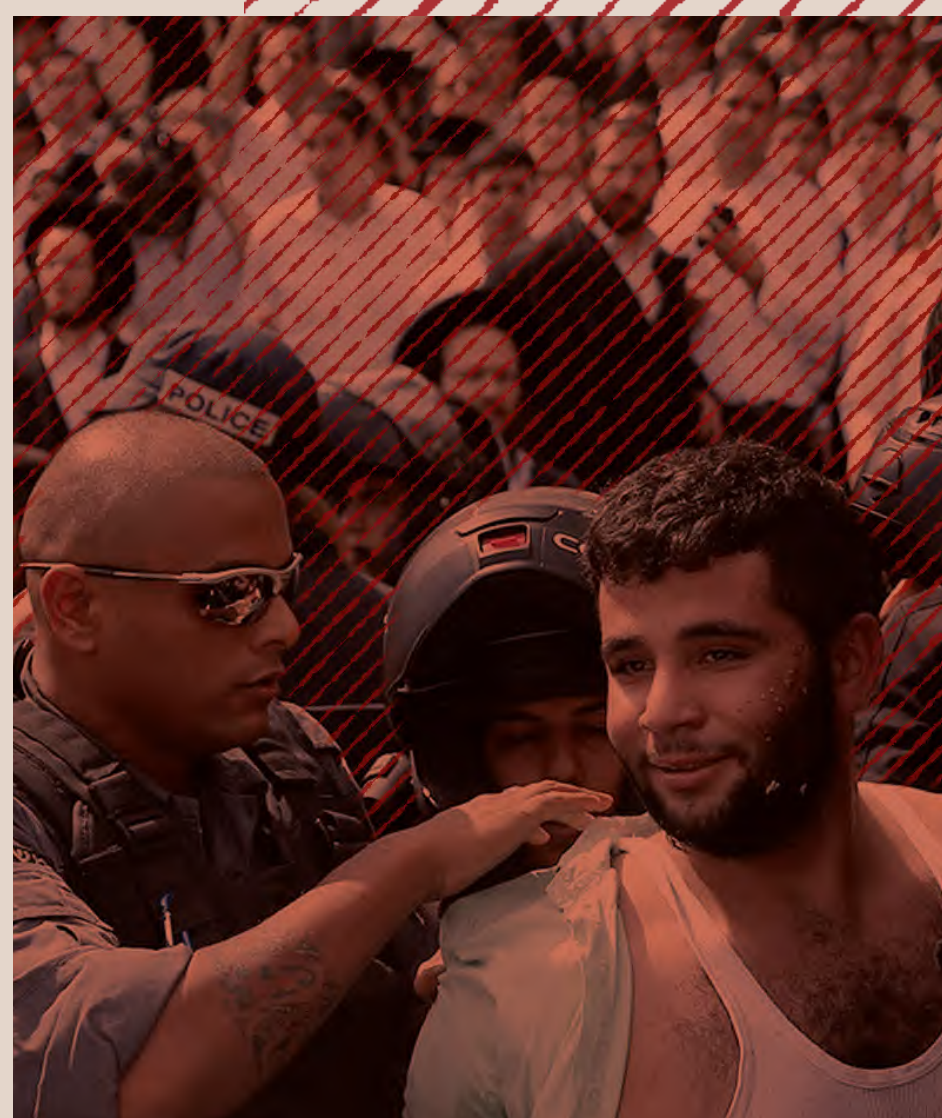
بر اساس برنامه سلطه‌ی آمریکا بر منطقه، شکل گیری حکومت عربی یا اسلامی قدرتمندی در منطقه ممنوع است. حکومت قدرتمند به معنای حکومت مستقل که خودش تصمیم بگیرد و منافع ملتش را رعایت کند. حکومتی که خودش منابع و اقتصادش را سامان دهد و به لحاظ علمی، فناوری، فرهنگی و اداری پیشرفت کند. این‌ها از منظر آمریکا ممنوع است! اگر مصر بخواهد یک کشور قدرتمند باشد، ممنوع است. اگر پاکستان بخواهد یک کشور قدرتمند باشد، ممنوع است. هر کشوری در این منطقه به طور خاص، بخواهد

آزاد، مستقل، مقتدر و قوی باشد از
نظر آمریکا ممنوع است و به همین
خاطر مستقیم یا غیر مستقیم علیه
آن جنگ به راه می‌اندازد.

اگر ضعیف باشید، جهان شما
را به رسمیت نخواهد شناخت
و هیچ کشوری از شما دفاع
نخواهد کرد. آنچه از شما دفاع
خواهد کرد، قدرت، شجاعت و
حضور مقتدر شما در میدان
مبارزه است. اگر قوی باشید،

جهان را مجبور به احترام گذاشتن به
خودتان خواهید نمود. به کشورهای
منطقه و مسلمان همیشه القا
می‌کنند که تامین امنیت شما توسط
آمریکا انجام می‌شود، در حالیکه
همین را اهرم اعمال فشار بر این
کشورها کرده‌اند.

اگر غزه در همان روزهای نخست



سقوط می‌کرد و مقاومتی نداشت،
هیچ کس در جهان به آن توجه
نمی‌کرد. همین مقدار مقاومت
نظامی و معنوی اهالی غزه نوعی از
قدرت است که توانسته خود را
بر افکار عمومی جهان تحمیل
سازد. همین میزان که گروه‌های
مقاومت فلسطینی توانسته‌اند
مقابل رژیم صهیونیستی
بایستند، ملت فلسطین و
اندیشه آن را در تاریخ ماندگار
ساخته است.

آنچه آینده ملتی را تضمین می‌نماید
قوی بودن آن است؛ مقاومت نیز
برگرفته از همین مفهوم، ایستادگی
در برابر سلطه آمریکا را دنبال نموده
است.



سید حسن نصرالله جسمش از میان ما رفته ولی شخصیت حقیقی او، روح او، راه او، و صدای رسای او همچنان در میان ما هست و خواهد بود. او پرچم بلند مقاومت در برابر اهریمنان ستمگر و غارتگر بود؛ زبان گویا و مدافع شجاع مظلومان بود؛ مایه‌ی دلگرمی و جرئت مبارزان و حق طلبان بود. گسترهی محبوبیت و تأثیرگذاری او از لبنان و ایران و کشورهای عربی فراتر رفته بود؛ و اکنون شهادت او این اثرگذاری را افزایش خواهد داد.

سید عزیز، سی سال در رأس مبارزهای دشوار قرار داشت؛ حزب‌الله را قدم به قدم بالا آورد. حزب الله حقاً «شجره‌ی طیّبه» است. حزب‌الله و رهبر قهرمان و شهید آن، عصاره‌ی فضائل تاریخی و هویتی لبنانند.

بخشی از بیانات رهبر انقلاب در نماز جمعه نصر ۱۴۰۳/۰۷/۱۳



برای دسترسی به محتواهای بیشترِ مرکز گام
به Gamcenter.ir مراجعه نمایید.